



# شکست امپریالیزم در ویتنام



است، این تضاد با ضرورت حل نکالیفی که در کشورهای دیگر روی هم رفته توسط انقلاب بورژوازی حل گردیده است، در هم می آید: یعنی با استقلال و وحدت ملی، آزادی دهقانان از قید و بند استعمار فئودالی و شبه فئودالی • ولی دقیقاً بعثت این ترکیب نکالیف که انقلاب هند و چین با آن روی بود، انتخاب "انقلاب سوسیالیستی یا توحش" تجلی پیویزه مؤثری پیدا نمود •

توخش توسط غنی ترین قدرت جهان - بشکل بعما راهی دسته جمعی، از بین بردن شیوه ای نباتات، قفس های ببر برای زند آنیان سیاسی، و مواد مدره و فحشاء به مقیاسی بسیار - تدارک دیده شد • این درند خوش امپریالیزم علیه توده های ویتنامی از آن جهت اوج می گرفت که آنان مرتبک این معصیت گشته بودند که در مقابل برتری تسليحات یانکی سر تعظیم فروند نیاورد و خود را به شکست نپرده بودند •

- تجدید تولید خود بخودی توسط مکانیزم بازار و قبول این مکانیزم بمقابل امری طبیعی یا احترازناپذیر، توده رضد نقطه اتکای حاکیت طبقاتی بورژوازی جهانی را تشکیل می دهد • کارگران با فروش نیروی کار خود، خرد ضروریات زندگی، و تولید برای کارگرها یا علاوه بر ارزش اضافی و ابیاست سرمایه، مناسبات اجتماعی را نیز تولید می کنند که آنان را به ادامه فروش نیروی کار خود، به مزد بسیار باقی ماندن و ادار می نمایند •

اما زمانی که بخش عده ای از استثمار شوندگان می گویند "کافیست!"، زمانی که آنان پذیرش اختلاف، نابرابری و بی عدالتی را بعنوان امری اختتاب ناپذیرد می کنند، زمانی که دسته جمعی بر علیه جامعه استثماری طبخیان می نمایند، آنوقت قلمروی سرمایه ژرف تراز ده ها بحران اقتصادی بلزه در می آید • زیرا در آن موقع حکمرانی سرمایه دیگر قادر نیست پایه خود را بر اساس عوامل خود بخودی اقتصادی قرار دهد. برای اباقی حاکیت خود می بایست به جور و تعدی غیر اقتصادی، به تور عربان متولی گردد • در آن موقع سرمایه سعی می کند به ستد ید گران درسی ان چنان خونین و آن چنان درخوف و وحشت منقاد کنند ای - ش که آنان قبل از این که جرأت ارتکاب حرم خیانت علیه سرمایه را سار

جنگ داخلی در ویتنام و سعی امپریالیزم آمریکا در تعیین سرنوشت آن از طریق مداخله نظامی خدا نقلابی، بیش از یک دهه بر اوضاع جهانی حکفرما بود • این صرفاً نتیجه این واقعیت بود که این جنگ عامل حکفرما بر سیاست بین المللی، داخلی، نظامی، و حتی (اتحادی) اقتصادی و مالی ایالات متحده، بزرگترین قدرت کاپیتالیستی در جهان، بود • بیش از هرجیز، نتیجه این واقعیت بود که جنگ هند و چین، بمانند نوارهای نیرومندی، تغییری را که در مقیاس جهانی در تناسب نیروها رویداده است عیان می نمود؛ علاوه بر این، این دگرگونی ها را در آگاهی هشیارترین نطايندگان طبقات اصلی مתחاص و بخش هائی از طبقات در جهان امروزه، حکم گرداند •

## بچه دلیل جنگ تهاجمی؟



ما جنگ ویتنام را تعمد آیک جنگ در اصل داخلی می نامیم که امپریالیزم آمریکا در آن دخالت نمود • این تعریف برانگیزندۀ خشم تمام کسانی است، که از زوایای گوناگون، اذعان ندارند که در دنیا ای که زندگی می کنیم، تضاد آشنا ناپذیر کار و سرمایه حکفرماست، تضادی که بحران های تاریخی سیستم سرمایه داری، که با جنگ جهانی اول آغاز گشت، موجب شدید - ترین تجلی آن می گردد، و تنها امکان دو سرنوشت نهایی را باز می گذارد: پیروزی انقلاب سوسیالیستی جهانی یا سقوط انسانیت به توحش طریقه شخصی که این تضاد خود را عیان می سازد، در هر بخش و کشور دنیا می تواند متفاوت باشد • در کشورهای شبه مستعمره، که قانون اکشاف مرکب و ناموزون تحمل گشته امپریالیزم در آن ها غالباً

دگر خود بد هند برای یک یا دو نسل در تردید و دودلی بسرخواهند  
برد.

این چنین بود مفهوم تاریخی کشتار مدافعان کمون پاریس در سال ۱۸۷۱، چنین بود مفهوم تاریخی تور نازی ها و جنگ داخلی اسپانیا و چنین بود مفهوم تاریخی جنگ تهاجمی امپریالیزم آمریکا علیه انقلاب هند و چین.

امروزه در ایالات متحده، جانداران لیبرال در شگفتاند که آیا این [جنگ] نوعی نمایش شیرین کاری، یک شوخی سیاسی زشت نبود. آنان می‌کوشند جانسون "دهاتی"، نیکسون "کلاه بردار"، یا حتی دستگاه "شیطان صفت" سیا را مسؤول مداخله در ویتنام قلمداد کنند. ولی تاریخ آنان اجازه نخواهد داد که وجود ناراحت خود را به بهای چند سپریلای فرومایه، سبکار سازند. تصمیم مداخله در جنگ داخلی ویتنام توسط رئیس جمهور "کبیر" لیبرال "جان اف-کندی گرفته شد و از جانب سرگل بورژوازی احصاری ایالات متحده، شامل برگزیده ترین مشاوران تحصیلکردۀ مطرح، تصمیم‌گرفته و تصویب شد. این یک تصمیم سنجیده بود که برآسان تجزیه و تحلیل از تحولات جهان که کاملاً روش کنندۀ فحوای مداخله می‌باشد، گرفته شد: به انقلابی و توده های جهان نشان دادن قیمتی که آنان می‌باشند در مقابل هر نوع تلاش بمنظور اعتراض به نظام بورژوازی در هرجاکه به نیروی خود با قیست، بپردازند.

برای درک این امر کافیست که زمان دقیق تصمیم‌گیری مداخله را بیاد آوریم: درست بعد از استحکام انقلاب در کوبا، جانشی ده روز بورژوازی و حامیان آمریکای شطاطی آن تقریباً غافلگیرانه جاروب گشتند. واشتگت‌سین بین سان باستثنای شکست تیره بخت پلایا تیرن<sup>\*</sup>، فرست کافی برای مداخله نداشت. اسناد براین امر گواهی می‌دهند: امری که انگیزه مداخله در ویتنام بود، ترس از سط پیدا نمودن طغیان های انقلابی از نوعی که به دین بین فو منجر گشت و قیام‌های شبهی انقلابات الجزیر و کوبا در سراسر دنیا بود؛ این ترس بیشتر از واهمه از دست دادن پیاوی موقعیت کاپیتالیستی در خود آسیای جنوب شرقی بود.

با این باید یک دلیل اضافی، پیشامدی و "منطقه‌ای" برای تشدید حملات، که در زمان حکومت جانسون صورت گرفت، اضافه نمود. در یکی از بزرگترین وبالقوه ثروتمند ترین کشورهای شبه مستعمره جهان، اندونزی، طی دوره ۱۹۶۴-۱۹۷۵، بحرانی پیشا انقلابی تکون یافته بود، بحرانی که به "ثوری دومینتو" محتوی بسیار ملموسی می‌بخشید. پیروزی زی سریع انقلاب ویتنام، می‌توانست اندونزی را بسرعت بسوی قیام پیروزمند کارگران و دهقانان به پیش ببرد. اثر عملی تشید حملات جانسون در هند و چین تقویت اراده ضد انقلاب اندونزی بود. این راه را برای کودکان و کشتار خونین اکتبر ۱۹۷۵ هموار ساخت.

و بالا خر، بمنزله عکس‌العلقی در مقابل کمکی که جمهوری دمکراتیک ویتنام به انقلاب در ویتنام جنوبی می‌کرد، حکومت جانسون، حداقل در سالهای ۱۹۶۸-۱۹۷۰ قصد تکمیلی، انهدام این دولت کارگری را نمود، یعنی انقلاب را "عقب نشاندن" و مزد نیای آزاد برای استثمار کا-پیتالیستی را گستردۀ نمودن.

## شکست جنگ ضد انقلابی



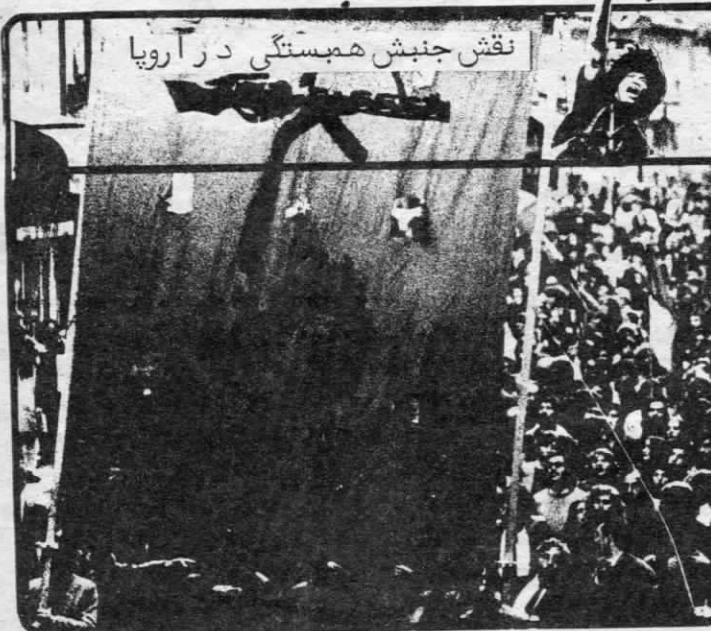
دخلات نظامی امپریالیزم در هند و چین به شکست کامل سیاسی، نظامی و اجتماعی ختم گردید. رژیم های بورژوازی در هند و چین متلاشی گردید. امپریالیزم آمریکا به جلوگیری از پیروزی نیروهای انقلابی توفیق نیافت. حال صرفاً مسئله زمان است قبل از آن که دولت کارگری که ایلک در ویتنام جنوبی در حال بنashدن است، بطور قاطع مستقر گردد و قبل از آن که اتحاد مجدد کشور از طریق ادغام ویتنام جنوبی با ویتنام شمالی انجام پذیرد.

بود؛ آنان هنوز به استقلال سیاسی از ایدئولوژی بورژواشی نائل نگشته‌اند، ولی این واکنش علیرغم خاصیت جنیفی و ابتدائی اش، کمتر قد رفته نبود؛ وسعت آن در تاریخ جنگ‌های استعماری بی‌سابقه بود. بعد از سالها تردید و حتی حمایت خفیف تهاجم [آمریکا به هند و چین]، توده‌های آمریکائی هنگامی که اعزام سپاهیان آمریکائی به هند و چین و خسارات رویه تزايد آمریکا واقعیت جنگ را برای اکثریت ساکنین ایالات متحده نمایان ساخت، شروع به واکنش نمودند.

رفقای آمریکائی ما، با درک محدودیت‌ها و پیمانسیل این واکنش توده‌ای، نقش مهمی در ایجاد جنبش توده‌ای ضد جنگ در حول مضمون یگانه تخلیه آنی و بی قید و شرط ارتش آمریکا از ویتنام، ایفا کردند. این مؤثرین ساعدۀ انترناسیونالیستی ای بود که آنها می‌توانستند به انقلاب ویتنام اراحت دارند. این امر باندازه‌ای موفق به تغییر اوضاع سیاسی در ایالات متحده گشت که جانسون وادرار به کناره گیری از انتخابات رئیس‌جمهوری سال ۱۹۶۸ گشت، که نیکسون ناچاریه داشت و عده‌ه ختم سریع جنگ گردید، که طبقه حاکمه به دسته بنده و بسیار مانورهای از همیشه پیچیده تر و دروغین تر در برابر مردم خود ناگزیر گردید، و عاقبت عملاً منجر به تخلیه سربازان ایالات متحده از ویتنام و خاتمه بیماران پس از امراضی قرارداد پاریس شد.

نقشی که تروتسکیست‌ها در این پسیج توده‌ای بعهده داشتند همچنین روشنگر تغییراتی است که در خلال دهه اخیر در اوضاع جهانی رویداده بود. بدون ترس از اغراق می‌توان گفت که جنبش ضد جنگ در ایالات متحده پراهمیت‌ترین منطقه‌ی این انقلاب ویتنام بود. اگر توده‌های آمریکائی وزنه خود را در توانی با اجبار امیریکا لیزم به تخلیه ارتش قرار نمی‌دادند، جنگ می‌توانست بسیار طولانی تر گردد و سرنوشت آن می‌توانست متفاوت باشد.

### نقش جنبش همبستگی در اروپا



در اروپا موقعیتی که انقلابیون در آن با انقلاب ویتنام سروکار داشتند با موقعیتی که انقلابیون در ایالات متحده با آن مواجه بودند از دولحاظ متفاوت بود.

اولاً بورژوازی اروپا مستقیماً در جنگ دخالت نداشت. حتی بانتظی بدبینانه به جنگ می‌گریست. بعلاوه این بدبینی تا حدودی با جیزی در هم آمیخته بود که آلمانها شادی بدخواهانه<sup>\*</sup> نیامند (ذلت از درد-سردیگران)، راهی برای بازپرداخت به امپریالیزم آمریکا در زای آنچه که در "پروسه آزادی مستعمرات" در دوران بعد از جنگ جهانی اتفاق افتاده بود و با مداخله ایالات متحده یعنی توافق ساختن ماجراجوی فرانسه و بریتانیا علیه مصر ناصری در سال ۱۹۵۶ بدایم خود رسید.

از آنجا که سربازان اروپائی در هند و چین درگیر نبودند، غالباً آنی مادی میلیون‌ها نفر، که برانگیزند<sup>ه</sup> جنبش توده‌ای ضد جنگ

از ماهیت مشخص طبقاتی که در گیربودند و صرفنظر از هرآنچه که در گروی این جنگها بود (و در هریک ازین پنج مولد آشکارا متفاوت بودند)، در تحلیل نهائی در هریک از این موارد مبالغه جنگ اکثربت سنتندید گان بر علیه اقلیت ستمگر و غاسد است، جنگهاشی که در آن شکست توده‌ها صرفاً بعلت خیانت در اردی خوب آنان (چنانچه در اسپانیا در خلال ۱۹۳۶-۱۹۳۹ رخداد امپرسگردید و نه بعلت استحکام سیاسی دشمن). این امر حاکی از این است که شکست امپریالیزم در ویتنام همچنین نتیجه این واقعیت می‌باشد که حزب کمونیست و جبهه خلق در اثنای جنگ اسپانیا ایفا نمود تکرار نکرد، که به پشت انقلاب به بهانه "ابتدا" در جنگ پیروز گشتن دشنه فروندکرد، که به کشور اجازه غوطه ورشدن در شعله‌های انقلاب ارضی را داد، که امکان پیشنهاد امپریالیزم بعد از تهاجم تا سال ۱۹۷۸، مبنی بر توقف حملات علیه ویتنام شوالی در صورت متوقف نمودن انقلاب در ویتنام جنوبی را نپذیرفت. بعیارت دیگر حزب کمونیست به انقلاب ویتنام خیانت نکرد.

### نقش جنبش ضد جنگ

#### ایالات متحده



مؤثرین مساعدۀ انترناسیونالیستی-ای که انقلابیون آمریکائی می‌توانستند به انقلاب ویتنام اراحت دهند ساختن جنبش توده‌ای ضد جنگ در حول مضمون یگانه تخلیه آنی و بی قید و شرط ارتش آمریکا از ویتنام بود.

شعار مرکزی انقلابیون اروپائی همبستگی با انقلاب ویتنام بر علیه تعرض امپریالیزم بود.



شکست وارد ه برا امپریالیزم در ویتنام، که به یک ضربت نظامی تبدیل گردید، بالاتر از همه یک شکست سیاسی بود. این شکست سیاسی بود که شکست نظامی را میسر ساخت. و بر امپریالیزم این شکست سیاسی در هر دو جبهه اصلی جنگ وارد آمد: در خود هند و چین و در ایالات متحده جنگ در ایالات متحده دوست امپریالیستی قادر است بیم میلیون نفر را بسیج کرده، آنان را بدین در نظر گرفتن شرایط سیاسی و ایدئولوژیکی، بدست سالها به هزاران فرسنگ دور از موطن شان بفرستند، تصویر کاملاً کاذبیست که قدرت کنترل ایدئولوژیکی در اختیار طبقات حاکمه را زیاده تخمین می‌زند. هرچند که در آن آرتش وسیعی درگیر باشد، پاره‌ای مخاطرات سیاسی برای طبقه حاکمه دربردارد و این مخاطره فقط می‌تواند تحت شرایط سیاسی معینی اتخاذ شود. هرچند امپریالیستی که متعاقب جنگ می‌شود، هرچنان بدر دهد به حجم این مخاطره می‌افزاید. رهبران بورژوازی آمریکا که در جهت اعزام نفرات هرچه بیشتری از سربازان آمریکائی به هند و چین بمنظور تشید بد حملات پیاوی معطوف‌اند گشته‌ند در برآورد خود از قضاوت میزان آمادگی مردم آمریکا برای قبول هر جنایت باشیست خارجی، مرتب اشتباه فجیعی گشته‌ند. ناحدود زیادی افتضاح و اترگیت، نتیجه‌تقلباتی عمدتاً بی‌شعر برای بتعویق انداختن لحظه پرداخت بهای این اشتباه بود.

واکنش توده‌های آمریکائی به جنگ ویتنام از لحاظ سیاسی در سطح بالائی نبود. بدین معنا که آنان موضع همبستگی با انقلاب ویتنام را اتخاذ نکردند. امید به وقوع یک چنین امری، سوء تعبیر کامل از چگونگی آگاهی سیاسی پرولتاریا و اکثریت اعظم جوانان در ایالات متحده می-

ایالات متحده بود، در قاره اروپا نقش نداشت. بنابراین جنبش ضد جنگ در اروپا می‌باشد خود را بر منای علائق گستردۀ تراجنماعی، سیاسی و اخلاقی قرار دهد، که فقط می‌توانست به احساس همبستگی با انقلاب ویتنام منتج شود. باین دلیل انقلابیون اروپائی بد رسالتی همبستگی با انقلاب ویتنام برعلیه تعرض امپریالیزم را بعنوان شعار مرکزی برگزیدند. در حول این شعار بود که دهها و دهها هزار مردم در لندن، پاریس، میلان، و مناطق دیگر مشکل گشتد. حدت تو-ده ای این شعار، که باد رنگ گرفتن و سعی جنبش همبستگی مسلم است، بازتابی است از سطح والتر آگاهی سیاسی بخشی از پرولتاپی اروپائی در مقام مقابله با پرولتاپی آمریکای شغالی.

ولی این اختلاف تاکتیکهای جنبش ضد جنگ در ایالات متحده و اروپا صرفاً نه برمبنای برآورده صحیح از شرایط عینی و ذهنی هرد و سوی آلات نتیک بلکه هبجنین بر منای تشخیص نقص متفاوت دو جنبش درکمی که می‌توانستند برای انقلاب ویتنام فراهم سازند، قراردادست. جنبش همبستگی با ویتنام که در اروپا شروع و در زاپن و آمریکای نایین و حتی اروپای شرقی دنبال گردید می‌توانست از طریق انعکاس آن در جنبش بین المللی کارگری و دول کارگری بورکراپیزه شده اثر مؤثرتری در حاصل جنگ داشته باشد تا از طریق انعکاس اش در ایالات متحده. با برآمدند انداختن جنبش توده ای هم-سرنوشتی و همبستگی با انقلاب ویتنام، انقلابیون اروپا، زاپن و کشورهای شبه مستعمره، تعداد زیادی از صفوف جوانان کمونیست را عیقاً تحت تأثیر قرارداده، و به دنبال خود کشیدند. آنان تناسب نیروها بین حامیان "همزیستی مسالمت آمیز" و "صلاح بهر قیمت" از یکسو و مدافعين پیروزی انقلاب ویتنام از سوی دیگر را در میان جوانان از ریشه تغییر دادند.

آنان بدینسان شرایط بین الملل را تا بدان جا رساندند که بهای سیاسی ای که مسکو و پکن بعلت خیانت تام به انقلاب می‌باشد پیرد-زنند، بسیار سنگین گردید. بدین ترتیب آنان مانعی در راه خیانت بورکراپی های دول کارگری نسبت به این انقلاب ایجاد کردند. این نقش اصلی این جنبش بود که پیروزی ظام نصیب آن گردید. کمونیست-های ویتنامی بهمان اندازه از این نقش آگاه بودند که از نقش عده ای که جنبش ضد جنگ آمریکا در کمک به انقلاب آنان ایفا کرد.

نقشی که بین الملل چهارم در سازماندهی این جنبش همبستگی بر عهده داشت، بطور منفی بر میزان شکست احزاب کمونیست استالینیزه شده دلالت می‌کند. در حالیکه سازمان های انقلابی هنوز ضعیف به برانگیختن بسیج صد ها هزار حامیان راسخ انقلاب ویتنام در سراسر دنیا قاد رگشتد، رهبران اتحادیه های کارگری با میلیونها عضو، اقدامی در جهت سازماندهی تحریم تسليحات و سربازی برای "جنگ خبیث" ننمودند. (به استثنای اتحادیه های کارگری سزاوار احترام استرالیائی) همانوی از این مغایرت تا حد امکان بهره برداری نمود. این درجهت نفع انقلاب ویتنام عمل کرد.

## شکست بورکراپی های مسکو و پکن



جنگ داخلی ویتنام و مقاومت راسخانه توده های هند و چین در مقابل مد اخلاقی نظامی آمریکا، برای بورکراپی شوروی موجبات پریشانی و برآشفتگی فرازیند. ای می‌شد که بورکراپی در ختم هرچه سریع آن می‌کوشید. با نقش "همزیستی مسالمت آمیز"، استراتژی اساسی بورکراپی، با تغییر تقسیم دنیا به حیطه های تحت نفوذ که در یالات و پتسدام صورت گرفت، با الهام و تهییج صعود مبارزات و آگاهی انقلابی در سراسر دنیا، با به لرزه در آوردن اعتبار بورکراپی شوروی و احزاب کمونیستی زیر سایه آن، و با سیمیم بودن در ازونشکل گیری پیشگامان معدود کمونیست حقیقت در کشورهای تحت سلطه بورکراپی، انقلاب ویتنام و انعکاسات آن نقشه های

در اثنای اولین مرحله جنگ، عمدتاً کرمelin بود که از عوائق رد چنین انتخابی لطمه دید؛ این امتحان را با از دست دادن نفوذ خود بر ضد ها هزار کارگر و جوان در سراسر دنیا باز پرداخت. طی مرحله نهائی جنگ، معدنک ماسک پکن از چهره برداشته شد. نباید فراموش نمود که در حالی که بجهات آمریکائی هنوز بر سر مبارزان ویتنامی فروند می‌آمد، نیکسون به پکن دعوت شد و رهبران چین تز "دواپر" قدرت" که دریک سطح قرار دارند و "سوسیال امپریالیزم" بمنابع دشمن اصلی مردم اروپا و آسیا" را اقامه کردند.

یکار دیگر، آینه جنگ ویتم خصوصیت اساسی سیاست بورکراسی را هم در مسکو و هم در پکن تعیین ساخت: بد طبقاتیه مافع انقلاب بین المللی را تابع احتیاجات متغیر و کوتاه مدت و سیاست ناسیونالیستی کوتاه نظر خود قراردادن. از این لحظه، پیروزی انقلاب ویتم، شکست بورکراسی های کارگری توین در فراشد تولد شان مساعد می‌باشد. نه فرآورده تصادف بود و نه نتیجه، واجب قدرت عظیم" تشویق به انصاف ضد انقلابی" ای که هنوز تحت فرمان امپریالیزم قرار داشت. بیش از هر چیز بیانگر میزان کنترلی است که دستگاه های بورکراتیک هنوز بر جنبشها کارگری و ضد امپریالیستی در سراسر دنیا حفظ کرده اند، بیانگر فقدان اعتراضات عمومی و تحريم تعیین یافته در پاسخ به تعریض امپریالیزم، فقد همکاری مؤثر بین المللی جنبش های توده ای انقلابی، فقدان بین الملل انقلابی توده ای است. بیانگر تداوم بحران عامل ذهنی، اگرچه بشکل خفیف تراز گذشته، اقلادر بیرون از کشورها می‌باشد. از این رو، در تحلیل نهائی، شکلی که پیروزی انقلاب ویتم بخود گرفت تجلی گر این واقعیت است که صعود جدید انقلاب جهانی در حال حاضر هنوز جزئی و پراکنده است، که این صعود جدید هنوز برای درهم شکستن قطعی نقش محافظه کارانه ای که دستگاه های بورکراتیک درون نهضت توده ای ایفا می‌کنند، نایسنده است.

ماهیت حزب کمونیست ویتم خود هم انعکاس و هم عنصر تشکیل دهنده کلیه این تغییرات می‌باشد. حزب کمونیست ویتم را حزب استالینیستی خواندن، بدین معنا که رویه هر فنچه اثیر سیاست آن در مقیاس جهانی ضد انقلابی می‌باشد، با در نظر گرفتن ترازنامه پانزده سال گذشته دوین جنگ هند و چین آشکارا هجو است. اظهار این امر که حزب کمونیست ویتم با عقب نشینی دوره ۱۹۴۳-۱۹۴۵ قرار دارد.

این گوئی است. بورژوازی ویتم با پای خود (با فرار خود) چنان جوابی به این تر مضمون داده است که جای تردیدی درباره محتوى طبقاتی انقلابی که صورتی گیرد و دلتا نوینی که در حال بنیان گذاری است، باقی نمی‌گذارد.

اما این واقعیت که حزب کمونیست ویتم آشکارا نه استالینیست ونه ضد انقلابیست، بهیچوجه براین امر دلالت نمی‌کند که حزب مارکسیست انقلابی است یا که مشعلدار دمکراسی پولناریائی، و راعمال قدرت مستقیم بدست پولناریا و دهقانان تهدید است سازمان یافته در شورها می‌باشد، یا براین که بدیهیا انترباسیونالیست است. این تزکه در هیچ کشور دنیا تحت هیچ شرایطی و برای هیچ مدتی رژیم طبقات صاحب-مال نمی‌تواند براند اخته شود مگر اینکه یک حزب مارکسیست انقلابی در رأس توده ها جای گیرد، زیاده ساده کردن نارس و مکانیک وار تئوری لینینیست سازمان می‌باشد. از کمون پاریس تا پیروزی های انقلابات یوگسلاوی، چین و ویتم شمالی تا پیروزی انقلاب کوبا شاهد بوده ایم که انقلابات ظفرمند سوسیالیستی، رژیم سرمایه داری را تحت رهبری دسته ها یا احزاب براند - ختنند که همگی دارای سه خصوصیت مشترک بوده اند: خصوصیت سیاسی از نظر عینی پولناریائی آنان، انتخاب آنان بنفع انقلاب در لحظه تعیین کنند، و بدینسان بزیدن از استراتژی ها و تاکتیک های ضد انقلابی، و نابسطگی های برناه ای آشکارشان، که در تمام مواد به اعوجاج سخت بورکراتیک منتهی گردیده، باستثنای کمون پاریس که به شکست سریع منتهی گردید.

این پدیده احزاب واقع در نیمه راه میان بورکراسی کارگری و توده های پولناریائی، در نیمه راه میان استالینیزم و مارکسیزم انقلابی، به نوبه خود از ضعف هنوز بسیار شدید عامل ذهنی در مقیاس جهانی ناشی می شود. این خود در تحلیل نهائی بازتابی است از شرکت هنوز مخدود پولناریائی کشورهای پیشرفتی صنعتی در فعالیتی های انقلابی و تأثیر پیر-

## مفهوم تاریخی پیروزی در ویتم



از لحظه تاریخی، پیروزی انقلاب ویتم و شکل معین وقوع آن، ترکیبی است از تمامی تغییراتی که در سراسر دنیا در خلال بیست و پنج سال گذشته روی داده است.

این پیروزی بیش از هر چیز تجلی گر تغییر در تناسب جهانی نیروها میان سرمایه و کار، یا بمعنای دقیق تر میان امپریالیزم و کلیه نیروهای ضد امپریالیستی، از زمان پایان جنگ جهانی دوم و پیروزی انقلاب چین، که محاصره کاپیتانیستی گرد اتحاد جماهیر شوروی را در ره شکست، می باشد. این پیروزی بیانگر مدد انقلاب جهانی است، که در تایان چشمگیری با عقب نشینی دوره ۱۹۴۳-۱۹۴۵ قرار دارد.

بدیهی است، این صعود انقلاب جهانی در تمام نقاط دنیا موزون و همگون نیست. پس از نخستین سالهای دوران بعد از جنگ، با استحکام نسبی امپریالیزم در اروپای غربی، ژاپن و دیگر کشورهای امپریالیستی تأمین بود، بالا خود از خیانت رهبری های استالینیستی و رفیعیستی به فرمات های انقلابی سالهای ۱۹۴۴-۱۹۴۵ در اروپای کاپیتانیستی. در اوان سال ۱۹۶۰ شکست های خونین و مرگباری در چندین کشور شبه - مستعمره (از شکست اندونزی و برزیل تا شکست در شیلی) باقی بود. این شکست ها با تعریض وحشیانه امپریالیزم علیه هند و چین و عموانائی جنبش ضد امپریالیستی، تحت رهبری استالینیستی، در واکنش سیاسی و بین المللی بنحو لازم بدون ارتباط بود. ولی مدد جدید مازرات کارگری و انقلابی در اروپا، که مه سال ۱۹۷۸ مظهر آنست، صعود جنبش ضد جنگ در ایالات متحده و ظهور پیشگامانی نوین که تحت تأثیر انقلابی بات کویا و ویتم پدیدار گشته بودند، ینویمه خود سهم پر ارزشی در تغییر تناسب جهانی نیروهای طبقاتی طبقاتی به عهده داشتند، که در تحلیل نهائی پیروزی ویتم فرآورده آن می باشد.

علاوه براین، این پیروزی بیان کنندۀ دگرگونی تناسب نیروها میان توده ها در یکسان و دستگاه های بورکراتیک در سوی دگر می باشد، که نتیجه منطقی آن تغییر در تناسب نیروها میان این دستگاه ها و پیشگام است که درون جنبش توده ای خود را از قید کنترل آنان آزاد گرداند. است. از این لحظه، مقایسه میان اکشاف جنگ داخلی اسپانیا با جنگ داخلی ویتم بخصوص آموزنده است. در اسپانیا استالینیست ها و رفرمیست ها (با همدستی وزیران بورژوازی) که رهبران آنارشیست اسپیک بو دند ادر مدت کمتر از یک سال موفق شدند جریان انقلاب اسپانیا را در جهت مجراء هایی که هدف آن تجدید بنای دولت بورژوازی می بود، معطوف سازند و بدینسان به درهم شکستن انقلاب و شکست آن به دست فاشیزم منتهی گردید؛ ولی پانزده سال اختلاف در هند و چین-آشکار و

پیروزی موقت ضد انقلاب در این کشورها، میتواند اقلاب را برای مدتی؛ مؤثرانه علیه رشد انقلابی در کشورهایی درگیر باشد. و یک تهدید اضافی وجود دارد که امروزه مشخص تر و حشمتناک تراز همیشه گشته؛ یعنی تهدید استفاده از اسلحه های تاکتیکی انتی غلبه مردمان قیام-کنند. ۰ ماهیت این اسلحه های انتی و عواقب استفاده آن اند نتها عواقب مادی بلکه همچنین سیاسی و روانی اچنان میباشد که این تهدید فقط میتواند در موارد بسیار نادر و بزرگی ای بکار برد شود. ولی اختصار شلزنگر، وزیر دفاع ایالات متحده میباشد جدی تلقی گردد. امپریالیزم افکار عمومی آمریکا را برای استفاده از اسلحه های انتی علیه انقلاب مستعمراتی، حداقل در ده مورد، آماده میسازد: در مرور بروز جدید جنگ داخلی در گره و در صورت تهدید نایاب دیقیب الوقوع د- لت صهیونیستی اسرائیل. هیچ چیزی دلیل برای امر نیست که این تهای بید در رساله های آینده در محدوده این دو مورد باقی بماند.

وبالاخره، یک اسلحه ضد انقلابی مداخله وجود دارد که تمامی مؤثر بودنش را حفظ نموده و هرچه مداخله نظامی مستقیم دشوار تر گردد، از آن مرتب تر استفاده خواهد شد. و آن اسلحه فشار سیاسی، خفه کردن مالی، سعی در ازیانداختن انقلاب است. در مرور چندین کشور شبه مستعمره و امپریالیستی، اثرات روانی و سیاسی این اسلحه حتی از اثرا آنی مادی آن وحشت‌آفرینی باشد. این وظیفه انتنتساپیونالیست هاست که طبقه کارگر بین‌المللی و توده های دنیا را برای فراگیری واکنش باین اسلحه آماده سازد، اسلحه ای که استفاده آن بمناند بیماران وحشیانه یا اعماق سپاهیان بمنظور مداخله، عکس‌العمل وسیع و خود- بخود را برپنی از گزید.

## اثر متقابل بخش های مختلف انقلاب جهانی

این تغییر در موقعیت جهانی، بطور عینی، گرایش تغییر جهت مرکز شغل انقلاب جهانی بسوی کشورهای صنعتی را تقویت می‌کند، بر اهمیت پرولتا ریای شهری در انقلاب کشورهای شبه مستعمره می‌افزاید، و رُجعت به آشکار انقلاب پرولتا ریایی و سوسیالیستی را که به "قاده" انقلاب سالهای ۱۹۱۷-۲۳ نزدیک می‌گردد، تسریع می‌نماید، گرایشاتی که در قطعنامه های سیاسی مصوبه گنگره های جهانی نهم و دهم بین‌الملل چهارم (۱۹۷۴) و (۱۹۷۹) بدان اشاره گردید.

ترکیب موقعیت جدید بین‌المللی زایده شکست امپریالیزم در ویتنام، صعود نوین مبارزات کارگری در اروپا، بحران جهانی رهبری بورژوازی، و کسد عوامیت یافته اقتصاد سرمایه داری بین‌المللی، شرایط مساعده استثنایی برای رشد تقریباً هزاران اوضاع انقلابی در چندین کشور ریاضی بوجود آورده: پرتقال، اسپانیا، ایتالیا، فرانسه و حتی بریتانیا. ما الان در آن مقطع زمانی نیستیم، ولی آن روز دیگر زیاد دور نیست. رُخ-دادهای پرتفال بندقد اثبات کنند هنگامی که ما در جشن صدمین سالگرد کمون پاریس پیش‌بینی کردیم زمانی که ما بار دیگر شاهد پیدایش شوراهای کارگری در اروپا باشیم نزدیک می‌شود، در خوش‌بینی مفترط دست و پا-نمی‌زدیم.

پاپرچایی تمام بخش های ما در اروپا، درون موج طغیان مبارزات کارگران و جوانان در پاپشاری در انتخاب وسیع و رو به افزایش آشکار خود-سازماندهی توسط توده ها، مانند مجتمع های عمومی اعتراض کنند-گان، انتخابات ادمنیاتیک کمیته های انتخابی مسؤول در برابر این مجتمع عمومی و هم‌آهنگی محظی، ناجیه ای و ملی آن ها، از هم‌اکنون شره داده و در آینده حتی با رورتر خواهد گردید. طبقه کارگری که با بحران انقلاب آتشی در اروپا مواجه خواهد بود با طبقه کارگر دهه ۱۹۶۰ و دهه ۱۹۵۰ بسیار فرق دارد. نه تنها از لحاظ نیرو، اعتماد بخود، مهارت و فرهنگ بلکه همچنین از نظر عالیق، مطالبات، و آگا-

وزی انقلاب سوسیالیستی در مهمترین کشورهای امپریالیستی، حال آنکه بحران جهانی و تلاشی سیستم امپریالیستی ادامه دارد و ژرف ترمه- گردد. ولی مقامات با تفصیل موجبات این پدیده بخصوص، که ویتنام آن را حتی بازتر از کوبا آشکار نمود، ما میتوانیم محدودیت های تا- ریبخی و شرایط مقدماتی برای غلبه بر آن را ترسیم کنیم: مذکور دید انقلاب جهانی که پرولتا ریای صنعتی را در کانون فعالیت‌های انقلابی بین‌المللی قرار می‌دهد؛ بلکه جهش نوین در جهت بنای بین‌الملل چهارم از طریق فراز ویژه‌ای آن به یک بین‌الملل انقلابی توده ای مرکب از احزاب انقلابی توده ای.

## اوپرای جهانی بعد از

### شکست امپریالیزم در ویتنام

شکست وارد بر امپریالیزم در ویتنام، اثر صعود جنبش ضد جنگ ایالات متحده را در ایجاد موقعیت کاملاً تازه بین‌الملل، چندین برابر نموده است: امپریالیزم آمریکا در حال حاضر عاجز از ایفای نقش پاپسیان جهانی سرمایه داری، از طریق اعزام جسمی سربازان آمریکائی بمنظور مداخله در جریان انقلابات یا جنگ‌های داخلی است و برای مدتی این چنین خواهد ماند.

اما هیچ قدرت امپریالیستی دیگری، از آلمان غربی گرفته تا ژاپن، چه برسد به "اروپای کاپیتلیست متحده"، که هنوز به شکل دستگاه دولتی و اختتاق وجود ندارد، امروزه قادر نیست جایگزین امپریالیزم آمریکا که موظفاً تضییف گشته، گردد. نتیجه: این امر نه تنها بحران حاد رهبری بورژوازی جهانی بطور اعام، بلکه تغییر نوین پراهمیت تابع انجهاد سرمایه داری، انقلاب پرولتا ریایی در کشورهای صنعتی موقعتاً از مداخله نظامی حجمی خارجی در امان است. ما این مزیت عظیم تابعی را مدیون عزم حماسی و انقلابی توده های ویتنامی می‌باشیم. این قدردانی درین است که تمام انقلابیون به انقلاب ویتنام مدیون می‌باشند. بنا بر دلایلی که در بالا ذکر گردید، و به شکستهای وارد بر انقلاب علیه استعمار از سال ۱۹۷۰ و به ضعف هنوز شدید جنبش ایالات متحده در سایر نقاط آسیای جنوب شرقی، مربوط می‌شود، در اروپای کاپیتلیستی بیش از هر نقطه دیگر، تأثیرات این موقعیت نوین بین‌المللی، بعدت کوتاهی برای صعود انقلاب سود مند واقع خواهد شد. لیکن، آگاهی در مورد این تغییر در اوضاع جهانی می‌باشد. چندین تأمل معتقد گردد.

بالاترازه، این یک تغییر گذرا است. غیرمسؤلانه خواهد بود اگر تصور کنیم که امپریالیزم بطور قطعی فلچ گردیده است. امپریالیزم در تجدید برقراری شرایط سیاسی داخلی ای که به آن اجازه دهد از تبروی قابل ملاحظه نظامی و تکنولوژیکی تحت اختیارش استفاده کند، تقداً خواهد نمود. ولی برای این امر بزمان احتیاج دارد، زمان برای تغییر اوضاع داخلی در ایالات متحده، اروپای غربی و ژاپن. در خلال این فرصت امکان انقلاب سوسیالیستی شدیداً افزایش خواهد یافت. و اگر مبارزات طبقاتی که اکنون در جریان است و یا در شرف آغاز است به بیرونی ونه به شکست پرولتا ریایی اروپائی منجر گردد، موقعیت بین‌المللی بیش از این به زیان امپریالیزم و کاپیتلیزم تغییر خواهد نمود. طاروه براین، چیزی که مطرح است یک تغییر ناکامل است. گفتیم که بعد از صعود جنبش ضد جنگ در ایالات متحده و شکست امپریالیزم در ریتم، امپریالیزم آمریکا دیگر قادر به اعزام توده های سپاهیان پیاده-نام اعلیه، جریان انقلابات نیست. ولی این به آن معنا نیست که نمی-نماید. از راه دایی: بیگر مداخله نظامی کند. هنوز "انکاهاي" مقتدر اهل از پیش از این انتشار بزریل، ایران و زائیر در اختیار دارد، که بعلت

می باشد . پیدا شنیک "نمونه" دولت کارگری و اقتصاد با برنامه خالی از نقیصه های بورکاراسی استالینیستی در کشورهای صنعتی ، سهم عظیمی در دست یابی پرولتا ریای آمریکا به سطح والتر آگاهی سیاسی طبقاتی خواهد داشت .

بروز انقلاب پرولتا ریای در اروپا کاپیتالیستی همچنین می تواند اوضاع اتحاد جماهیر شوروی و "د مکراسی های خلق" را دگرگون سازد . این کشورها تو سط بحران فزاینده اجتماعی و سیاسی بارتعاش را مدد - اند ، ولی رخوت سیاسی پرولتا ریای شوروی مانع اصلی در انسداد نکامل این بحران در جهت انقلاب سیاسی پیروزمندانه می باشد ، انقلابی که دست آورده ای اکثر را حفظ و تقویت نموده ، راه را بسیوی نکمال سریع بین الطیلی یک جامعه سوسیالیستی بدون اختلاف یا نابرابری اجتماعی خواهد گشود . و فقدان یک چشم انداز جامع سیاسی بنویه خود مانع عدمه ای در راه سیاسی گشتن پرولتا ریای شوروی می باشد .

پرولتا ریای شوروی از حکومت بورکاراسی روی گردان است . هیچ تعایلی به بازگشت سرمایه داری ندارد و بحران فعلی سرمایه داری ، با ۱۷ میلیون بیکار در کشورهای امپریالیستی ، عقیده کارگران شوروی را تغییر نخواهد داد . آنان این روحه زندگی خصوص پناه بدهند ، وگاه - بگاه در دفاع از منافع آنی خود می کوشند . پیش روی انقلابی در اروپا کاپیتالیستی ، تصویر سوسیالیزم را ازین اعتباری که دیکتنا توری بورکاراسی برگرد آن انبساطه می رهاند و با ایجاد راه ملموس در مقابل بلا - تکلیفی "دیکتنا توری بورکاراسیک" یا استقرار مجدد سرمایه داری "سیاسی گشتن" مجدد پرولتا ریای شوروی را تسربی نموده ، از هرگونه مداخله جدید ضد انقلابی کرملین در اروپا شرقی از نوعی که انقلابات مجارستان و چکسلواکی را در هم کوبید ، مانع بعمل آورده ، و پیروزی انقلاب سیاسی را در "د مکراسی های خلق" و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تهییج خواهد نمود .

ارنست مندل

بیست و یکمین ۱۹۷۰

هیش متفاوت می باشد و در نتیجه در تواناییش در آزاد کردن خود از دستگاه بورکاراسیک و نیل به بالاترین شکل خود سازماندهی ، یعنی شوراهای تحول سازمان های ترورستیکیستی به احزاب انقلابی توده ای کاملاً

مرتبط با پیدا شرایط قدرت دوگانه است ، زیرا فقط در چنین شرایط انتحاب میان راه رفرمیست و انقلابی ، دیگر انتخاب میان یک واقعیت فعلی (با تمام مزیت ها و زیانهای شناخته شده آن) و یک تصور نیست (تصویری که در عین جذابیت اش ، اهمیت آنی ندارد) ، و در عوض سمه مسئله علی تجریمه روزمره توده ها تبدیل می شود .

پیدا شنیک و باره شرایط انقلابی که به "قاعده" انقلابات پرولتا ریای روسیه و آلمان هرچه بیشتر شبیه می گردد ، و بربنای شوراهای کارگری بنادردیده ، انعکاس زرفی بر دیگر بخش های انقلاب جهانی خواهد داشت . این امر در خود کشورهای شبه مستعمره به رشد استقلال طبقاتی سیاسی و سازمانی پرولتا ریا کم خواهد کرد ، پایه ایدئولوژی "ائتلاف" بندی و تجربیات ملهمات استالینیستی را سست می نماید و بدین گونه مخاطرات اعوجاج بورکاراسیک و ناسیونالیست انقلابات دایان کشورها را کاهش می دهد . مثال آنگولا از این نظر شاخص می باشد . در حالیکه بدون تردید این جنبش انقلابی توده های مستعمرات بود که ضربه تعیین - کننده را بر دیکتنا توری سالا زار - کینتا نو وارد آورد و بدین گونه آغاز پروسه تلاشی ارش بورژواشی پر تقال را سبب گشت ، پیش روی انقلاب پرتقال بنویه خود بر پروسه انقلابی آنگولا تأثیر گذاشت ، خود سازماندهی و دفاع از خود را میان پرولتا ریای شهری دامن زده ، پروسه انقلابی در آنگولا از این لحظه با بالاترین سطحی که تاکنون در آفریقای سیاه تحقیل گردیده ، رسیده است .

تکوین شرایط قدرت دوگانه در کشورهای امپریالیستی اروپا ، و حتی پیروزی انقلاب سوسیالیستی در یک یا چندین یک از این کشورها ، بازنای عینی در دینامیزم انقلابی در ایالات متعدد بجا خواهد گذاشت . یکسان دانستن "سوسیالیزم" با "اختناق" و "استبداد" ، با کاهش آزادی سیاسی و فردی توده های وسیع ، صرفاً فراورده تبلیغات امپریالیستی نیست . این یکسان شمردن بهیچوجه در خلال دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ ، علیرغم وجود تبلیغات ضد کمونیستی همانند امروزه راسخ واحتتمالاً هیستریک تر باشیم واضحی مورد قبول پرولتا ریای آمریکا نبود . این یکسان دانستن همچنین شعره استالینیزم و آنچه که توده های آمریکائی راجع به واقعیات سیاسی دولت های کارگری بورکاراسی شده می دانند ،

لدول	
اعبریالیزم و مسئله سرمایه مالی عرب و ایرانی	س- جایر
اقلام خفار	م- هادی
تعصیر جهت سازمان آزادی بخت فلسطین	ج- راجیلد
عازکسیم و اقلاب	ف- بهزاد
در باره "مجموع الجزایر گولاگ"	ا- مندل
خطاطات یک کارد سرخ	طارق علی با
جهنم اندازها و وظایف انقلاب در شرق	بونک جنگ
مارکسیزم یا فیسبنیزم؟	ل- تروتسکی
	آ- عاصی

ا. مندل	ظهور سرمایه مالی عرب و ایرانی
المناضل	حزب کمونیست عراق و مسئله کردستان
رابعه	اقلام عرب و مسئله فلسطین
مازیار	کنفرانسیون: عملکرد سالهای اخیر
صد مرداد	م- ر و مسئله استالین

برای دریافت شماره های  
قیلی کند و کاو معادل یک  
دلار آمریکائی برای شماره  
اول و معادل ۱/۲ دلار  
برای شماره دوم به حساب  
بانکی کند و کاو ارسال  
دارید . رسیده بانکی و  
صورت سفارش را به نشانی  
کند و کاو بفرستید .